



# ۱۲ اتوبوس نامه

## هر چیزی را داخل اتوبوس نیاور

یک مین ضد تانک توی ماشین من است و عن قریب است که اتوبوس روی هوا برود.

رفتیم پیش پلیس‌ها. یک جناب سروان خیلی عصبانی دنبال عامل این جنایت می‌گشت و ما همدیگر را لو نمی‌دادیم. اما یک نفرمان را به عنوان مسئول دانشجویها جلو انداختیم. کلی دعوا کرد که در منطقه جنگی هر چند وقت یک بار باران می‌زند و مین‌ها از زیر خاک خارج می‌شوند و نباید دست می‌زدید. گفتیم جناب سروان این مین تزئینی است. ما اصلا جفت پا روی آن پریدیم و عمل نکرده؛ از این بابت خیالت راحت. گفت پس چرا سنگین است؟ گفتیم خب لابد با خاک پُرش کرده‌اند تا طبیعی جلوه کند. حسابی قاطی کرد و چند نفر را برای اخذ تعهد داخل کانکس برد. گفتیم خب حالا چه کنیم؟ گفت نیروی خنثی‌سازی در راه است و باید منتظر بمانید.

ساعتی بعد نیروی ویژه خنثی‌سازی از مرکز استان رسید. مین را با خود به دویست متر آن طرف‌تر بردند. نیم ساعتی با آن مشغول شدند و در نهایت هم حرف ما درست درآمد و داخل مین فقط خاک بود. اما این چیزی از جرم ما کم نمی‌کرد و کماکان از دست ما عصبانی بودند، چون هرچه اصرار کردیم که مین‌مان را پس بدهید، ندادند.

بود. به او توصیه کردم این کار را نکنند، زیرا اگر با این هیکل منفجر بشود کل محوطه را به گند می‌کشد. خندیدیم و گذشتیم. ساعتی بعد سوار اتوبوس شدیم و به سمت اهواز حرکت کردیم که شلوغی آخر اتوبوس توجهم را جلب کرد. به انتهای اتوبوس رفتم و دیدم بله رفیق ما مین پلاستیکی را برداشته و در واقع کش رفته تا به عنوان یادگاری با خودش بیاورد. بابت این کارش او را تشویق کردیم و مشغول بازی با مین شدیم. یک مین ضد تانک دو کیلویی که جان می‌داد برای بازیگری و اجرای سناریوهای جنگی در اتوبوس؛ یکی روی مین شیرجه می‌زد، یکی فنون کشتی کج را روی مین اجرا می‌کرد و حسابی با آن مشغول بودیم.

اتوبوس در زیارتگاه علی بن مهزیار برای نهار و زیارت ایستاد. مین را زیر صندلی گذاشتیم و پیاده شدیم. نهار خوردیم و زیارت کردیم و گشتی در اطراف زدیم و ساعتی بعد به سمت اتوبوس حرکت کردیم. دیدم کلی نیروی پلیس دور اتوبوس را گرفته‌اند و حسابی شلوغ پلوغ شده. ماجرا را جویا شدم. گفتند راننده داشته کف ماشین را جارو می‌کرده که زیر یکی از صندلی‌ها یک مین دیده و برسرزنان و یا حسین گویان خودش را به کانکس پلیس آنجا رسانده که چه نشسته‌اید

یکی از مواردی که جزء فرهنگ اتوبوس‌سواری محسوب می‌شود این است که هر چیزی را نباید با خودت به اتوبوس بیاوری. مثلاً قدیم‌ترها مرغ و گوسفند را هم با اتوبوس جابه‌جا می‌کردند اما الان کار درستی نیست. تجربه نگارنده می‌گوید مواد و وسایل خطرناک را هم نباید با اتوبوس جابه‌جا کرد، حتی اگر خطرناک نباشند و خطرناک به نظر برسند.

زمان دانشجویی اردوی راهیان نور رفته بودیم. چهل نفر دانشجوی معلم شر که هرکس نمی‌دانست و رفتارهای داخل اتوبوس را می‌دید فکر می‌کرد لابد سازمان زندان‌ها تصمیم گرفته برای تحول و جودی در زندان‌ها، تعدادی مجرم جوان را به مناطق جنگی ببرد. منتها فرقی این بود که رفتار مسافران اتوبوس ما قبل و بعدش فرقی نکرد و همان ارادل که بودیم، ماندیم.

روز آخر سفر در یکی از توقف‌گاه‌های مسیر برگشت که یک مسجد بود - و اسمش یادم نمی‌آید - مشغول قدم زدن بودیم که دیدم یکی از رفقا دارد با چوب دور یکی از مین‌های تزئینی که اطراف آن محل کار گذاشته بودند را خالی می‌کند. هیکل چاق و گنده‌ای داشت و تلاشش برای اینکار خنده‌دار



محمد امین میمنیان



سید محمد جواد طاهری



● در حالی که فلسطین به کمک همه مسلمانان نیاز دارد، خاندان سعودی در حال برگزاری جشنواره‌های هنری بر پایه افسانه‌های جاهلیت (مانند پیرای زرقاء الیمامه «دختر چشم آبی») است